

## خاورمیانه چقدر گاز دارد؟

دکتر منوچهر تکین

مرکز مطالعات انرژی جهانی لندن

دو دیدگاه متضاد در زمینه ذخایر گاز طبیعی خاورمیانه وجود دارد. برخی می‌گویند در مورد این ذخایر گزاره گفته‌اند و بعضی معتقدند که آن را کمتر از آنچه هست برآورد کرده‌اند.

در دیدگاه نخست، برخی استدلال می‌کنند که ذخایر گاز خاورمیانه کمتر از آنی است که در گزارش‌های گوناگون منتشر شده است. تعریف «ذخایر ثابت شده» دقیق است و بر پایداری آن تحت شرایط کنونی فنی و اقتصادی تاکید دارد. اگر بخواهیم قاطعانه بگوییم باید اذعان داشت که آمار منتشره از ذخایر ثابت شده گاز خاورمیانه براساس برآوردهای قطعی ذخایر استوار نیستند.

عوامل اثرگذار بردرستی گزارش‌های مربوط به ذخایر، ممکن است اقتصادی یا نهادین-سیاسی باشند. اگر منابع موجود را نتوان باقیمت‌های ثابت تولید کرد نمی‌توان آن را در مقوله «منابع ثابت شده» قرار داد.

گزارش شده است که حتی برخی از

شرکت‌های ملی نفت که در خاورمیانه فعالیت دارند حاضر نیستند با قیمت‌های کنونی، تولید گاز خود را برای صنایع داخلی افزایش دهند. افزون بر آن، برخی از طرح‌های صدور گاز به دلیل عدم توافق برسر قیمت و شکست در تامین مالی به تاخیر افتاده و بایگانی شده است. از این رو، کمیت مقداری از لحاظ بازیافت فنی گاز بر اساس برآورد مهندسان نمی‌تواند «ذخیره ثابت شده» گاز باشد.

دو نکته دیگر با صرفه بودن ذخایر ثابت شده را زیر سؤال می‌برد. قیمت‌های واقعی و اسمی گاز از اوایل دهه ۱۹۸۰ سیر نزولی داشته‌اند ولی در این دوره، هیچ‌گونه بازنگری نزولی در زمینه ذخایر صورت نگرفته است. افزون بر آن، تجارت گاز در بین کشورهای خاورمیانه بسیار محدود است و حتی مصرف خانگی و تجاری داخلی گاز چندان گسترده‌گی ندارد. عوامل نهادین-سیاسی نیز می‌توانند به برآورد گزاره گویانه مسئولان درباره ذخایر گاز خاورمیانه منجر شده باشند. بعضی از نمونه‌های آن، تلاش برای توجیه بودجه‌ای کلان برای تامین مالی است.

اظهار نظرهای تحلیل گران براساس افزایش ذخایر نفت در نیمه دوم دهه ۱۹۸۰ استوار است و هدف آنان نیز افزایش سهمیه کشورهای اوپک بوده است. عواملی سیاسی نیز به احتمال سبب محدودیت شدید تجارت گاز بین کشورهای خاورمیانه شده است.

عامل مهم سردرگمی درباره میزان ذخایر نفت و گاز خاورمیانه، عدم اطلاعات است. بنابراین، گاه حتی مشخص نیست که آیا ذخایر گزارش شده گاز «موجود» است یا گاز «باز یافتنی». همچنین آیا این گزارشها گازهای غیر هیدروکربن را نیز دربر می گیرند یا خیر. در خاورمیانه، اطلاعات مربوط به ذخایر را جزو اسرار می دانند. گاه، این محرمانه بودن به صورت یک مسئله امنیتی کشور در می آید.

در دومین دیدگاه مربوط به ذخایر چنین استدلال می شود که در مورد ذخایر گاز خاورمیانه - حداقل «منابع فنی» دست کم گرفته شده است. طی سالیان اکتشاف در خاورمیانه فعالیتها حول محور کشف نفت دور می زد و علاقه چندانی به کشف گاز وجود نداشت و حتی شرکتهایی که گاز کشف می کردند مناطق و حوزه های تحت امتیاز

خود را واگذار می کردند. اکتشاف ویژه گاز تقریباً تازگی دارد. به همین ترتیب، حفاری عمیق - که با آن کشف گاز محتملتر است - نیز در منطقه به نسبت جدید است.

در گذشته، مقادیر عظیمی از گاز را در خاورمیانه می سوزاندند چون آن را بی ارزش تلقی می کردند. به طور کلی کشفیات گاز مشخص نمی شد و اطلاعات مربوط به منابع آنها اغلب ابتدایی بودند و یا آنها را ناچیز جلوه می دادند.

مقایسه میزان ذخایر کشف شده با ذخایر گاز نشان می دهد که حوزه خاورمیانه «نفتی» است. در مقایسه با بقیه جهان چنین استدلال شده است که این ویژگی ناشی از اکتشاف محدود در گذشته است و در آینده، منابع بیشتری از گاز کشف خواهد شد. اطلاعات مختصر شده از نسبت گاز وابسته به نفت و یا مستقل نیز حاکی از آنست که حجم بزرگتری از گاز به صورت مستقل هنوز در خاورمیانه کشف نشده است.

### میزان جهانی

بررسی داده های موجود درباره ذخایر نشان می دهد که ذخایر گاز خاورمیانه

در مقیاس جهانی از اهمیت بسزایی برخوردار است. خاورمیانه پس از کشورهای شوروی پیشین از نظر منابع گاز در جهان مرتبه دوم را حایز است. در خاورمیانه، ایران با داشتن نیمی از مجموع ذخایر گاز منطقه دارای بزرگترین ذخایر است. افزون بر آن، برخی از کشورها گاز چندانی ندارند، تجارت گاز بین کشورهای خاورمیانه، تحت این شرایط امری طبیعی به شمار می‌رود. اما داده تولید گاز الگوی متفاوتی را نشان می‌دهد. تولید گاز خاورمیانه، برخلاف ذخایر موجود در آن کمتر از بسیاری از مناطق دیگر جهان است. گرچه این منطقه بیش از ۳۰ درصد از مجموع ذخایر گاز جهان را دارد ولی تولید آن کمتر از شش درصد تولید جهانی است. به واقع، خاورمیانه به نسبت ذخایرش کمترین تولید را دارد. در سال ۱۹۹۲، این منطقه تنها ۰٫۳ درصد از ذخایرش را تولید کرده که در جهان کمترین میزان است. در حالی که شوروی پیشین و اروپای شرقی ۱٫۴ درصد، اروپای غربی ۳٫۵ درصد و آمریکای شمالی ۸٫۶ درصد تولید کرده‌اند.

به طور خلاصه، به رغم ذخایر با اهمیت

گاز خاورمیانه، تولید محدود است و در این منطقه از منابع گاز بهره‌برداری نمی‌شود. خاطر نشان شده است که گرچه هنوز در این کشورها گاز را می‌سوزانند، ولی از میزان آن به نحو چشمگیری کاسته شده است. در برخی از کشورها مانند ایران که تولید حوزه‌های نفتی مستلزم حفظ فشار و باز فشار است، تزریق دوباره گاز به نسبت گسترده است. در برخی از کشورهای، مانند عربستان سعودی، بیشتر ذخایر به صورت گاز وابسته به نفت است و استفاده از گاز همراه نفت به نسبت مصرف گاز ناوابسته از اولویت بالایی برخوردار است. وابستگی نرخ تولید گاز به نرخ تولید نفت به تلاش‌های هماهنگ در جهت توسعه حوزه‌های شناخته شده گاز وابسته به نفت و کشف حوزه‌های جدید به منظور افزایش تولید گاز وابسته انجامیده است. به طور معمول، در تولید گاز مستقل یا غیر وابسته هزینه بیشتر از گاز همبسته با نفت است. توسعه گاز مستقل پرخرج و سرمایه‌بر است. مشکل اصلی این طرحها، به ویژه با توجه به بزرگی آنها، شرط سرمایه‌گذاریهای سنگین در آغاز و پایان کار است.

تفاوت برزگی بین تولید برپایه ای ثابت و ذخایر زیرزمینی وجود دارد. داشتن «ذخایر» ثابت شده گاز مترادف «تامین» گاز نیست. این امر در مورد گاز بیشتر از نفت مصداق دارد. توسعه و تولید گاز طبیعی بیشتر به سرمایه گذاریها و مهارت وابسته است. افزون بر آن، گاز تولیدی باید تا حد زیادی پرورنده شود و انتقال آن پیچیده تر از نفت است. این کار به خطوط لوله گاز یامایع شدن و کارخانه های تبدیل دوباره به گاز و تانکرهای حمل گاز نیاز دارد. از اینها مهمتر، توسعه حوزه گاز را نمی توان مستقل از مشتریانش انجام داد. زیرا به زنجیره کاملی از توسعه حوزه، تاسیسات زمینی، پردازش، خط لوله، تاسیسات گاز مایع، سرمایه افزونتر و تعهد دراز مدت تر نیاز دارد. پیش از شروع فعالیت های توسعه باید طرفها در مورد قیمت گاز به توافق برسند و تعهداتی نیز باید در مورد مدت طرح که اغلب به دهها سال می رسد، صورت گیرد.

ویژگی طرح های توسعه و سرمایه گذاری کلان به زمینه سازی نسبتاً طولانی مدت پیش از آغاز تولید، تعیین مدت دوده یا بیشتر برای طرح و تعهدات دراز مدت تولید کنندگان، مصرف کنندگان و سرمایه گذاران نیاز دارد. دیدگاه جمعی این است که در دهه های آینده، تقاضا برای گاز در کشورهای صنعتی افزایش می یابد ولی این افزایش در کشورهای رو به رشد بیشتر خواهد بود. منابع گاز بومی برای رفع این تقاضای فزاینده کافی نیستند. کمبود گاز طبیعی در بسیاری از نقاط جهان محسوس و رشد تجارت بین المللی گاز اجتناب ناپذیر خواهد بود. انتظار می رود خاورمیانه نیازهای آینده نفت جهان را تامین کند. در مورد گاز نیز وضع بر همین روال خواهد بود. تنها منطقه دیگری که توانایی تامین گاز را دارد اتحاد شوروی سابق، به ویژه روسیه است. با این همه جایگاه خاورمیانه برجسته تر خواهد بود. به هر حال، گرچه ما می توانیم روی منابع سرشار آنجا حساب کنیم ولی بهره برداری اندک است. آیا می توان بهره برداری نکردن را از جنبه اقتصادی ارزیابی کرد. قیمتها یا